گزارشی اجمالی از وضعیت اجتماعی ایران

مقدمه

با تغییر دولت در ایران، این تصور در افکار عمومی شکل گرفته، که در ماه های آتی کلیه مشکلات مردم در حوزه های مختلف اجتماعی حل شده و مردم نتیجه حضور پرشورشان را در انتخابات، به وضوح در بهبود وضع اقتصادیشان مشاهده می نمایند و اگر خلاف این باور اتفاق بیافتد، از دید آنها دولت یازدهم نیز هیچ تفاوتی با دولت دهم نخواهد داشت و بیهوده با نماد کلید(حلال مشکلات) خود را در عرصه سیاسی کشور مطرح نموده و هدفی جز عوامفریبی و جلب نظر مردم با دروغ نداشته است.

ولیکن زیرساختهای اقتصادی و اجتماعی کشور در سالهای اخیر به حدی آسیب جدی خورده اندکه ترمیم سریع، و بهبود اوضاع اقتصادی و اجتماعی کشور در یک فرجه حتی پنج ساله نیز ممکن نمی باشد و به یک برنامه راهبردی بلندمدت تری در این خصوص احتیاج است.

برای نمونه در حوزه اقتصاد باید گفت که در شرایط حاضر سیاستهای پولی و بانکی به هیچ وجه پاسخگوی نیازهای اقتصادی کشور نبوده و مسائل اقتصادی دیگری از قبیل رکود تورمی، هزینه بالای دولت در پرداخت یارانه ها، و در مجموع جوابگو نبودن درآمدهای حاصله از فروش نفت به منظور هزینه های جاری کشور، شرایط اقتصادی کشور را پیچیده تر نموده و امکان هرگونه تحول جدی ای را در عرصه های مختلف کاهش داده است.

اوضاع اجتماعی کشور نیز در وضعیت مطلوبی قرار ندارد و می رود تا آبستن معضلات اجتماعی عدیده ای شود. رشد آمار طلاق، از هم پاشیدگی خانواده ها، کاهش ارتباطات خانوادگی و فامیلی، وجود فساد اداری و رشوه و ارتشا از جمله معضلات اجتماعی ای است که به شکل لجام گسیخته ای در حال افزایش است. از این رو لازم است تا به منظور پایین آوردن توقعات مردم از دولت تدبیر و امید یک گزارش اجمالی از وضعیت اجتماعی ایران ارائه گردیده تا مخاطبان درک نمایند که تا حل کامل معضلات اجتماعی و اقتصادی کشور راه درازی در پیش است و چه بسا به عمر این دولت نیز قد ندهد.

لذا با توجه به مقدمه مذکور، در گزارش پیش رو بر آنیم تا با توجه به برخی از مهمترین شاخص های اجتماعی، به بیان واقعیت‌های اجتماعی پرداخته و در 13 حوزه به شرح ذیل وضعیت اجتماعی ایران را تحلیل نماییم :

1. **سبک زندگی ایرانی**

جامعه ايراني، انقلاب در سبك زندگي را در دو دهه اخير (سال‌هاي پس از جنگ تحمیلی) شاهد بوده است. ساده‌زيستي و قناعت‌پيشگي سال‌هاي اول بعد از پيروزي انقلاب اسلامي و كميابي‌هاي معمول زمان جنگ هشت‌ساله به‌آرامي جاي خود را به مصرف‌گرايي داده است. به‌طوری‌که با یک نگاه در سطح شهر و ساخت و سازهای فراوان در حوزه بناهای تجاری، خود نشان از این مهم دارد. پرداختن بیش از حد به تهیه پوشاک روز و توجه به جدید بودن ابزارآلات منزل نمونه‌های دیگری از عوارض این پدیده است. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که مصرف کالا در ایران به‌ویژه برای جوانان نه از سر رفع نیاز که حاصل معنایی فرهتگی و اجتماعی است. از سوی دیگر در نتبجه بصری شدن نشانه‌های منزلتی در جامعه و اهمیت ظواهر در زندگی جوانان طبقه پایین با نمایش و در واقع تقلید سبک زندگی طبقات بالا به کاهش نمادین طبقاتی دست‌ می‌زنند.

امروزه به‌نظر می‌رسد در سطح ساختاري نسل جوان اعتقادي به امنيت شغلي ندارد. اگر براي والدين جوانان امروز، كار محور و اساس زندگي بود و فراغت كاملاً تحت الشعاع آن قرار داشت و در ارتباط با آن تعريف مي‌شد، در طيف روبه افزايشي از جوانان امروز گرايش به زندگي پس از كار تقويت شده است. نسل جوان امروز در ساختن هويت خويش بيشتر بر فراغت تكيه دارد تا به کار.

نسل جديد بيش از پيش به دنبال داشتن اوقاتي شاد و پر لذت است، خواه اين لذت در محيط كار حاصل شود و يا در منزل. براي بخشي از جوانان جديد اگر چه كار جزء مهمي از هويت فردي و اجتماعي را تشكيل مي‌دهد، با اين حال كار را صرفاً براي كار نمي‌خواهند، بلكه آن را بعنوان وسيله‌اي براي رسيدن به اهداف خود، يعني پول، لذت و فراغت مي‌نگرند: روشن است كه تجاري شدن فراغت و ضرورت پرداخت هزينه براي تجربه‌ي بسياري از ميدان‌هاي فراغتي، (ورزش، سفر و گردش، ارتقاء مهارت‌هاي هنري و ....) اهميت كار درآمد زا را براي اين گروه مهم‌تر از پيش‌ساخته است و نگراني كنار گذاشته شدن از مشاركت و فعاليت‌هاي فراغتي را در آنها ايجاد مي‌كند. از سوي ديگر دسترسي به امكانات جديد رسانه‌اي كه زرق و برق مزاياي رفاه، علم و تكنولوژي‌هاي جديد را به وضوح نشان مي‌دهد در كنار توجه بيش از اندازه والدين، برخي از جوانان نسل جديد را بسيار متوقع ساخته است. اين دسته ميل شديدي براي رضايتمندي آني دارند. بسياري از جوانان به دنبال برخورداري از اين امكانات جديد هستند و براي رسيدن به آن عجله دارند و براي دسته‌اي از آنان پول داشتن، شيك پوش بودن، داشتن پرستيژ بالا بدون زحمت زياد، خواسته‌اي جدي است. صبر و حوصله اين جوانان براي پيشرفت مرحله‌اي و برنامه ريزي براي آينده بسيار كم است. با اين‌حال خواسته‌هاي آنها يكسره بر محور مادي گرايي نيست و زندگي خوب و داراي كيفيت را بر امتيازات مالي ترجيح مي‌هند و از اين جهت در انديشه‌هاي آنان گاه نوعي تناقض نيز به چشم مي‌خورد. رسانه‌هاي جمعي به منبع اصلي و مسلط در شكل‌دهي هويت جوانان تبديل شده‌اند.

 نسل فعلي جوانان را بايد اولين نسل جوانان آشنا با كامپيوتر و تكنولوژي‌هاي ارتباطي دانست. بسياري از آنها مي‌توانند با طيفي از نرم افزار‌هاي كامپيوتري كار كنند و به‌راحتي آنها را مي‌فهمند. اين تحولات تكنولوژيك بر ذوق، سليقه و نياز ارتباطي آنها نيز تاثير گذاشته است. تكنولوژيهاي ارتباطي تعاملي و مجازي (بويژه اينترنت) الزام‌هاي جدي را بر هويت‌يابي جوانان و سبک زندگی ایرانی داشته‌است.

1. **توسعه** اجتماعی

 با توجه به نوپا بودن مفهوم توسعه اجتماعي پژوهش‌هاي چنداني در ايران پيرامون اين شاخص صورت نگرفته است اما نتيجه اين كوشش‌ها را مي‌توان در سه نكته زیر خلاصه نمود:

* نامناسب بودن وضعيت توسعه اجتماعي در ايران در مقايسه با ساير كشورها
* توسعه اجتماعي نامتوازن در استان‌هاي ايران و
* وجود رابطه معكوس بين سرمايه اجتماعي و توسعه اجتماعي در ايران

پژوهش‌هاي داخلي، وضعيت توسعه اجتماعي در ايران را در مقايسه با ساير كشورهاي جهان و منطقه چندان مثبت ارزيابي نكرده‌اند، اين در حالي است كه در سند چشم‌انداز 1404 هدف ايران قرار گرفتن در پله نخست منطقه مي‌باشد. علاوه بر آنكه وضعيت توسعه اجتماعي در ايران در مقايسه با ساير كشورهاي منطقه چندان مناسب ارزيابي نشده است، در درون كشور نيز اندك پژوهش‌هايي كه به مقايسه وضعيت استان‌هاي ايران با يكديگر در زمينه توسعه اجتماعي پرداخته‌اند، نشان دهنده بروز توسعه اجتماعي نامتوازن در بين استان‌هاي كشور است؛ به گونه‌اي كه شكافي عميق بين استان‌هاي نخست از نظر توسعه اجتماعي يعني يزد، اصفهان، خراسان رضوي و تهران و استان‌هاي انتهايي در رتبه‌بندي يعني كهكيلويه و بويراحمد، سيستان و بلوچستان و ايلام وجود دارد. نكته مشترك قابل تأمل ديگر در برخي از اين پژوهش‌ها وجود رابطه معكوس بين سرمايه اجتماعي و توسعه اجتماعي در ايران است. اين در حالي است كه در جهان رابطه‌اي مثبت بين سرمايه اجتماعي و توسعه اجتماعي وجود دارد؛ يعني كشورهايي كه از نظر توسعه اجتماعي در سطوح بالايي قرار دارند، از نظر ميزان سرمايه اجتماعي نيز در رتبه‌هاي نخست قرار گرفته‌اند كه اين امر شايسته تامل نظري بيشتري است.

  **در جدول زير مي‌توانيد وضعيت ايران را در زمينه خرده شاخص‌هاي مختلف و رتبه‌بندي كلي موسسه لگاتيوم ملاحظه نماييد.**

|  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
|  | **اقتصاد** | **كارآفريني و فرصت** | **حكمراني** | **آموزش** | **سلامت** | **ايمني و امنيت** | **آزادي فردي** | **سرمايه اجتماعي** | **رتبه‌بندي كلي** |
| **ايران** | **رتبه** | 70 | 95 | 126 | 57 | 66 | 125 | 125 | 121 | 102 |
| **نمره** | (03/0-) | (89/0-) | (4/2-) | (55/0) | (5/0) | (38/2-) | (26/2-) | (38/2-) |  |
| **نروژ**[[1]](#footnote-1) | **رتبه** | 2 | 4 | 13 | 6 | 4 | 2 | 6 | 1 | 1 |
| **نمره** | (26/3) | (67/3) | (2/3) | (44/2) | (06/3) | (71/3) | (66/3) | (47/4) |  |
| **امارات[[2]](#footnote-2)** | **رتبه** | 17 | 30 | 41 | 37 | 32 | 23 | 66 | 42 | 19 |
| **نمره** | (29/2) | (16/2) | (62/0) | (24/1) | (61/1) | (1/2) | (16/0) | (51/0) |  |
| **رتبه ايران در بين كشورهاي 16گانه منطقه**[[3]](#footnote-3) | 9 | 12 | 13 | 4 | 7 | 14 | 7 | 11 | 11 |

1. **وضعيت هويت ملي در ايران**

با عنايت به تنوع فرهنگي موجود در جامعه ايران، در تمام مقاطع گوناگون دولتها از طريق ايجاد هويت مورد نظرشان درصدد تثبيت ارزشهاي فرهنگي مورد نياز خود (براي كسب مشروعيت) و نيز ايجاد انسجام و همبستگي اجتماعي در سطح ملي و ارتقاء پيوندهاي تعلقات فرهنگي اجتماعي از سطح محلي و قومي (يا از سطح جهاني، بين‌المللي و غربي) به سطح ملي بوده‌اند. به طور مشخص سياست‌هاي هويت دو بعد تقنيني (قانوني) و رفتاري داشته‌اند و در سه دوره پهلوي اول، پهلوي دوم و جمهوري اسلامي قابل تفكيك است. در دوره نخست، الگوي باستاني‌گرايي (ايران قبل از اسلام)، در دوره دوم، الگوي تجدد و غربي شدن و در دوره سوم، الگوي مذهبي بر سياست‌هاي هويت سيطره داشته اند. براي اجراي برنامه‌هاي هويت ساز نيز از ابزارهاي رسانه‌اي، هنري، آموزشي، تربيتي، اداري و ... بهره گرفته شده است. اين ابزارها تحت ماهيت اداري و سياسي مثل تشكيلات دولتي و اداري سره سازي زبان فارسي، ارتش و خدمت نظام وظيفه، تاسيس دانشگاه و آموزش يكپارچه و سيستم اداري هماهنگ و سپس از طريق سياست‌هاي فرهنگي و هنري در رسانه‌ها (مثل كتب درسي و موسيقي و نظام رسانه‌اي و ...) دنبال شده است. به نظر مي‌رسد جوهره اين سياستها در مجموع تمركزگرايي و ناديده گرفتن تنوع فرهنگي و زباني درجامعه ايران بوده است.

به رغم این موارد در مجموع شواهد پژوهشي نشان مي‌دهد كه بعد فرهنگي هويت ملي در جامعه ایرانی بسيار قوي و طي سالهاي گذشته تغييري نكرده است.

1. اخلاق در **جامعه** ایرانی

متاسفانه برای تشخیص اینکه کدام صفات اخلاقی در جامعه ایران مهم‌تر است داده‌هایی مطمئن بجز آنچه در پژوهش منوچهر محسنی در سال 1374 و در سطح ملی انجام شده، و پژوهش آزاد و غیاثوند در سال 1383، در دسترس نیست. محسنی برای بررسی ویژگی‌های اخلاقی خوب و بد لیستی از صفات اخلاقی مثبت و منفی را که شامل صفاتی مانند نجابت و پاکی، احترام به همگان، مهربانی، خوش ظاهر و بد باطن بودن، شجاعت، مودب، خیرخواهی، خوبی به همسایه و.... (21 صفت مثبت) را در معرض قضاوت پاسخگویان قرار داد که یافته‌هایش نشان می‌دهد 5 صفت برتر مورد نظر ایرانیان به ترتیب عبارتند از: خوش اخلاقی، با ایمانی، با تقوایی، اجتماعی بودن، صداقت، و در ادامه آن و به ترتیب اهمیت، ویژگی‌‌های دلسوزی، باگذشتی، خیرخواهی، فهمیدگی و با ادبی مطرح بوده‌اند.. در خصوص صفات آدم‌های بد نیز 3 صفت دارای نمره بالاتری بوده است که به ترتیب عبارتند از: بد اخلاقی، درغگویی و بی‌ایمانی و در ادامه نیز به ترتیب صفات بد عبارتند از ریاکاری، مردم آزاری، خودخواهی، بی‌ادبی، شرارت، رفتار خلاف شرع، سخن چینی، دزدی، تکروی، کلاهبرداری و حسادت.

تقی‌آزاد و غیاثوند در بررسی ناهنجاری‌های اجتماعی در جامعه ایرانی در حجم نمونه 1379 نفری در سطح ملی به ارزیابی جایگاه برخی ناهنجاری‌های اخلاقی از نگاه جامعه ایرانی پرداخته‌اند. در این مطالعه برای احکام ناموجه و نابهنجار در زندگی، یازده عبارت در نظر گرفته شده است. نتایج دلالت بر آن دارد که 3/95 درصد از پاسخگویان فحشا و خودفروشی، 5/94 درصد خودکشی، 1/94 درصد انحرافات (کسانی که مشکل هویت جنسی دارند)، 4/93 درصد رشوه دادن، 4/89 درصد عدم پرداخت کرایه وسایل نقلیه عمومی، 8/76 درصد سقط جنین، 4/76 درصد پایان بخشیدن به حیات بیماران غیرعلاج (یوتاناسیا)، 1/67 درصد بهره‌مند شدن از پاداش و مزایای دولتی و 55 درصد طلاق را هرگز موجه ندانسته‌اند. در مقابل بر حسب طیف ده قسمتی 8/7 درصد از پاسخگویان بهره‌مند شدن از پاداش و مزایای دولتی، 1/6 درصد یوتاناسیا، 4/4 درصد عدم پرداخت کرایه وسایل نقلیه عمومی، 2/3 درصد طلاق و تقریباً حدود یک یا دو درصد سایر موارد را همواره موجه می‌دانند.

توزیع پاسخگویان بر حسب ناهنجاری‌های اجتماعی

|  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| **هر یک از احکام در نظر شما تا چه اندازه موجه است** | **موجه****10** | **9** | **8** | **7** | **6** | **5** | **4** | **3** | **2** | **ناموجه****1** |
| **مصرف مسکرات** | 4/1 | 7/0 | 7/0 | 8/0 | 9/0 | 2/3 | 1/2 | 6/1 | 4 | 4/84 |
| **بهره‌مندی از مزایای دولتی** | 8/7 | 4/1 | 9/1 | 4/2 | 6/2 | 5/7 | 6/2 | 4/3 | 3/3 | 1/67 |
| **عدم پرداخت کرایه وسایل نقلیه عمومی** | 4/4 | 7/0 | 4/0 | 9/0 | 1 | 3/3 | 5/1 | 7/1 | 2 | 8/83 |
| **تقلب در مالیات** | 9/1 | 2/0 | 4/0 | 2/0 | 1 | 2 | 5/1 | 9/1 | 2/1 | 4/89 |
| **رشوه دادن** | 1 | 2/0 | 1/0 | 2/0 | 5/0 | 2/1 | 1 | 1 | 5/1 | 4/93 |
| **انحرافات** | 1/1 | 1/0 | 1/0 | 2/0 | 5/0 | 2/1 | 6/0 | 9/0 | 1/1 | 1/94 |
| **فحشا و خودفروشی** | 6/0 | 1/0 | 2/0 | 2/0 | 4/0 | 9/0 | 8/0 | 7/0 | 8/0 | 3/95 |
| **سقط جنین** | 3/1 | 6/0 | 6/0 | 1/1 | 5/1 | 9/6 | 3 | 5/3 | 6/4 | 8/76 |
| **یوتاناسیا** | 1/6 | 2/1 | 4/1 | 3/1 | 8/1 | 8/3 | 2/2 | 1/2 | 7/3 | 6/76 |
| **طلاق** | 2/3 | 3/1 | 8/1 | 5/2 | 4/5 | 9/15 | 1/6 | 8/4 | 9/0 | 55 |
| **خودکشی** | 1/1 | 2/0 | 2/0 | 2/0 | 5/0 | 9/0 | 5/0 | 8/0 | 9/0 | 5/94 |

با این حال به نظر می رسد که گرچه ارزش ها و ضد ارزش های جامعه ایرانی به شرح مذکور می باشد، لیکن جامعه ایرانی در عمل تمایلی به نزدیک شدن به ارزش ها و دوری از ضد ارزش های مطرح شده نداشته و اگر به کاربردن واژه بحران اخلاقی را در ایران درست ندانیم، لیکن باید به وجود مشکلات مختلف اخلاقی در جامعه ایران معترف بود.در مجموع بررسی مولفه‌های اخلاقی و جایگاه آن در جامعه ایرانی حکایت از نزول تدریجی ارزشهای مهم اخلاقی در کشور دارد مانند ریاکاری و تظاهر که از 43 درصد در سال 1374 آغاز و در سال 1388 به 5/51 درصد رسیده است و یا شاخص امانتداری که در سال 1379، 8/38 درصد بوده در سال 1390 به 61 درصد رسید. همچنین شاخص صداقت و راستگویی از سال 1374 (24 درصد) به 73 درصد در سال 1390 – حدود سه برابر- رسیده است و نیز شاخص پای‌بندی به قول و قرار از 5/45 درصد در سال 1374 به 59/0 درصد در سال 1388 رسیده است. این ارقام نشان می‌دهد که برداشت‌ و نگرش مردم دربارة رواج ارزشهای اخلاقی بسرعت و بشدت منفی شده است. متاسفانه در شرایط فقدان داده‌های ملی دربارة پای‌بندی عملی خود پاسخگویان، نمی‌توان قضاوتی درباره تغییرات متغیرهای ارزشهای اخلاقی در جامعه ایرانی ارائه نمود. برای بررسی دقیق‌تر جدول زیر می‌تواند شمایی از افول برخی ارزش‌های اخلاقی را در جامعه ایرانی نشان دهد که بسیار نگران‌کننده به‌نظر می‌رسد.

مقایسه چند شاخص اخلاق اجتماعی

|  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
|  | **منوچهر محسنی 1374** | **دفتر طرح‌های ملی 1379** | **دفتر طرح‌های ملی 1382** | **ایسپا- فرهنگ سیاسی ایرانیان 1384** | **ایسپا- دینداری ایرانیان 1388** | **ربانی و شهابی 1390 (در اصفهان)** |
| **رواج دورویی و تظاهر** | **43/0** | **8/64** | **2/68** | **75** | **5/51** | **-** |
| **امانتداری** | **-** | **8/38** | **5/41** | **-** | **75** | **61** |
| **صداقت و راستگویی** | **24** | **7/50** | **6/58** | **67** | **67** | **73** |
| **پایبندی به قول و قرار** | **5/45** | **11/42** | **1/49** | **-** | **59** | **-** |

1. **امنيت اجتماعي**

شواهد بسياري دال بر كاهش **اعتماد اجتماعي** در تمام ابعاد و سوگيري عاطفي و خاص‌گرا در روابط كنشگران در تمام سطوح در جامعه ايران وجود دارد (چلبي، 1375: 77). نتايج بسياري از مطالعات در سطح كشور، حاكي از كاهش نسبي اعتماد اجتماعي در نزد اقشار مختلف اجتماع است..

بر اساس يافته‌هاي موجود، اگر اعتماد را در سه سطح خرد، مياني (تعميم يافته) و كلان مورد بررسي قرار دهيم، اعتماد در ايران در سطح خرد كه اعتماد به خانواده، دوستان و اقوام را در بر مي‌گيرد، از وضعيت بهتري برخوردار است. به عبارت ديگر، نوع روابط در جامعه ما بيشتر درون‌گروهي و بسته است و مردم بيشتر مايلند ابتدا با اعضاي خانواده خود، سپس با دوستان و اعضاي فاميل رابطه برقرار كنند. در سطح اعتماد عام يا تعميم‌يافته (مياني)، اعتماد نسبتاً پاييني وجود دارد؛ يعني افراد در تعاملات خود به اقشار مختلف (قاضي، معلم، راننده، پليس، مغازه‌دار، پزشك، هنرمند، كارگر و...) چندان اعتماد ندارند. البته برخي از مشاغل مثل معلمان، اساتيد دانشگاه، ورزشكاران، پزشكان، ارتشي‌ها، پليس راهنمايي و رانندگي و هنرمندان بيشترين ميزان اعتماد مردم را دارا هستند. پژوهشي كه توسط چلبي در مورد نظام شخصيت در ايران انجام گرفته است، نشان مي‌دهد كه ميزان اعتماد تعميم يافته در هيچ يك از شهرهاي مورد مطالعه در سطح قابل قبولي نيست و اين امر بالقوه مخل نظم بوده و به انزواي اجتماعي كمك مي‌كند. به اين ترتيب مي‌توان گفت: اعتماد اجتماعي تعميم‌يافته وضعيت مطلوبي در جامعه ما ندارد.

آمارها در مورد **اعتماد** در سطح كلان كه اعتماد به دولت و نظام حكومتي را در بر مي‌گيرد، حاكي از اعتماد معمولي و متوسط مردم به حكومت است. بديهي است، به موازات كاهش اعتماد مردم به كاگزاران حكومتي و نيز كارايي قوانين و عدالت سياسي، ميزان مشاركت آنها در سياست‌گذاري‌ها و اداره امور كاهش خواهد يافت (زين‌آبادي، 1387: 56). بر اساس نتايج يك ارزيابي ديگر در زمينه اعتماد مردم به دولت كه در سال 1386 انجام گرفته، 5/7 درصد گزينه اصلاً، 6/21 گزينه كم، 3/23 گزينه تا حدودي، 6/34 گزينه زياد و 1/13 درصد نيز گزينه كاملاً را انتخاب كرده‌اند. اين آمار نيز حكايت از اعتماد متوسط مردم به دولت است.

1. آسیبهای فرهنگی و اجتماعی

از آنجا كه آمار قابل اطمينان و مستند در خصوص بسياري از آسيب‌هاي اجتماعي در ايران كه از حساسيت‌هاي فرهنگي و سياسي برخوردارند وجود ندارد، در ادامه تنها به ذكر اطلاعات مربوط به برخي از مهم‌ترين آسيب‌هاي اجتماعي و اطلاعات و آمار قابل دسترس همان موارد مي‌پردازيم.

**اعتياد**: بر اساس ارزيابي سريع وضعيت مصرف مواد در سال 1386، روش مصرف مواد غالباً تدخيني و پس از آن خوراكي بوده است. مصرف تزريقي در 18.7 درصد معتادان روش غالب مصرف بوده است كه نسبت به سالهاي قبل روند افزايشي قابل ملاحظه‌اي داشته است» هم‌چنين «اطلاعات مربوط به ده سال گذشته حاكي از اين است كه نسبت زنان معتاد به كل جمعيت معتادان از 2 تا 6.9 درصد در مطالعات و گزارش‌هاي گوناگون متغير بوده است. حدود نيمي از معتادان متاهل و داراي فرزند و حدود دوسوم داراي تحصيلات راهنمايي تا دبيرستان هستند. بخش عمده‌اي از معتادان (87.7 درصد) با خانواده‌ي خود زندگي مي‌كنند، و كمتر از 10 درصد آنان بي‌خانمان‌اند يا تنها زندگي مي‌كنند» علاوه بر اين، «دوسوم معتادان، كل يا بخشي از مخارج زندگي خود را از درآمد شغلي تامين مي‌كنند؛ نزديك به 40 درصد به كمك مالي خانواده و دوستان متكي هستند؛ حدود يك چهارم از طريق غيرقانوني كسب درآمد مي‌كنند، كه عمدتاً مرتبط با مواد مخدر است؛ حدود 40 درصد سابقه‌ي دستگيري دارند كه در اغلب موارد بيش از يك بار و بيشتر به دليل جرائم مرتبط با مواد است. اين الگوها در ده سال گذشته كم و بيش ثابت بوده است.»

**جرائم:** همانطور كه در گزارش وضعيت اجتماعي ايران آمده است، «ميزان مراجعه به مراجع رسمي براي طرح دعوا و حل اختلاف (اعم از مدني، حقوقي، كيفري) در جامعه‌ي ايران به شدت بالاست. گرچه آمار به روز رسمی و كامل به ويژه از دادسراها و دادگاه‌هاي انقلاب منتشر نمي‌شود، اظهارات كلي مقامات قضايي كشور تا حدودي وضعيت دادرسي را در كشور روشن مي‌كند. رئيس قوه قضاييه در سال 1386 اعلان كرد كه سالانه 8 ميليون پرونده‌ي وارده به دادگستري داريم.» با توجه به اين رقم 8 ميليوني پرونده‌هاي قضايي، و ذكر اين نكته كه اين رقم اندكي كمتر از نيمي از 8 ميليون خانوار كشور را شامل مي‌شود، بايد تصريح كنيم كه به طور متوسط هر دو خانوار ايراني سالانه در گير يك پرونده قضايي مي‌شوند.

**خشونت خانوادگي**: در مطالعات مربوط به زنان در جمعيت عمومي، شيوع آزار در چهار مطالعه 46-5/37 درصد (سيف ربيعي و ديگران، 1381؛ موسوي و اسحاقيان، 1383؛ احمدي و ديگران، 1385؛ بلالي ميبدي و حسني، 1388) و در پنج مطالعه 6/93-62 درصد (شمس اسفند آباد و امامي پور،1382؛قاضي طباطبائي،1383؛ قهاري وديگران، 1384؛ جوكار و ديگران، 1384؛ نريماني و آقامحمديان،1384) تخمين زده شده است. در مورد كودكان نيز چنين به نظر مي‌رسد كه خشونت جسمي بيشترين شيوع را داراست، اگرچه در برخي از مطالعات نيز خشونت رواني در صدر انواع خشونت گزارش شده است. به علاوه در هيچ يك از مطالعات انجام شده خشونت جنسي يا سهل انگاري بالاترين شيوع را نداشته است.»

**تن فروشي:** با توجه به برخي دشواري‌هاي فرهنگي، اجتماعي و حقوقي كه در خصوص روسپيگري وجود دارد، آمار دقيق و موثقي در رابطه با اين آسيب اجتماعي در دست نيست. آنگونه كه در *گزارش وضعيت اجتماعي ايران* آمده است، مسئولين و كارشناسان آمارهاي متفاوتي را در اين رابطه مطرح مي‌كنند. «شايد كمترين آمار در اين زمينه از زبان رئيس كل وقت دادگستري استان تهران بيان شده باشد كه از وجود 2000 زن خياباني در تهران خبر داد.» علاوه بر وي، مدير كل دفتر امور آسيب‌ديدگان اجتماعي، از وجود 4000 زن خياباني در ايران سخن گفته است. اين در حاليست كه كارشناسان آسيب‌هاي اجتماعي معمولاً شيوع بيشتري را براي روسپيگري برآورد مي‌كنند. به طور نمونه، يك جامعه‌شناس و استاد دانشگاه، تعداد زنان خياباني را در تهران به صراحت 300 هزار نفر بيان كرده است.

«تقريباً بر اساس نتايج تمامي پژوهش ها، بيشتر روسپيان فعاليت خود را در بازۀ سني 16 تا 20 سالگي آغاز كرده‌اند (فرمانفرمائيان،1347؛ صابري،1382؛ عليايي زند، 1383؛ وروايي، 1384؛ شرافتي پور، 1384؛ مدني و ديگران، 1386). نكتۀ قابل تأمل ديگر اينكه اغلب پژوهش‌ها نشان مي‌دهند كه حدود 20 تا 25 درصد روسپي‌ها در سنين پايين‌تر از 15 سال وارد اين حرفه شده‌اند.» قابل ذكر است كه «بين 20 تا 30 درصد روسپيان ايران نيز مانند روسپيان اكثر كشورها سابقۀ تجاوز و سوءاستفاده و آزار جنسي و فرار از خانه را در كودكي دارند .

**فقر، بيكاري و نابرابري:** علي رغم رشد بالاي اشتغال ايران، به واسطه تغيير و تحولات بوجود آمده در عوامل مؤثر بر عرضه نيروي كار (جمعيت، نرخ مشاركت و..) و تقاضاي نيروي كار (رشد توليد، سرمايه گذاري و..) در كنار ويژگي‌هاي ساختاري بازار كار (هزينه‌هاي جابجايي نيروي كار، قوانين و مقررات ناظر بر بازار كار و..) شاهد نرخ‌ بالاي بيكاري طي دو دهه اخير بوده‌ايم، به طوري كه تقريباً دو برابر ميانگين نرخ بيكاري جهاني مي‌باشد". هر چند در مقايسه با متوسط كشورهاي منطقه خاورميانه اندكي وضعيت بهتر است. به طوري كه طي دو دهه اخير، نرخ بيكاري در ايران از ميانگين سالانه 1/10 درصد دهه 1990 ميلادي به 3/11 درصد در سال‌هاي 2008-2000 افزايش يافته است. بايد افزود كه نه تنها كشورهاي منطقه از جمله ايران از بعد نرخ بيكاري بالاتر دچار مسائل و مشكلاتي هستند، بلكه تفاوت گسترده نرخ بيكاري زنان و جوانان با متوسط منطقه و جهاني بر مسائل بازار كار اين كشورها افزوده است. اين تفاوت از بعد اقتصادي قابل توجه است ولي در عين حال بالا بودن نرخ بيكاري جوانان موجب مي‌شود كه آسيب‌ها و ناهنجاري‌هاي اجتماعي بيشتر اين گروه سني را تحت تاثير قرار ‌دهد.

يكي از معيارهاي عمده ي سنجش نابرابري، كه براي بازه‌ي زماني نسبتاً طولاني در دست است، ضريب جيني است. "بررسي اين ضريب نشان مي‌دهد كه روند عمومي نابرابري از سال 1363 تا 1382 نزولي بوده است اما از سال 1383 به بعد شاهد روند صعودي و افزايش نابرابري بوده‌ايم"(راغفر،387:1390).

«نابرابري آموزشي از 1363 تا 1374 روند نزولي، در سال 1374 جهش شديد، و مجدداً از 1374 تا 1383 روند نزولي داشته است. اين روند از سال 1383 تغيير جهت داده و رو به افزايش است. قابل توجه است كه رشد آموزش عالي در كشور نقش قابل توجهي در كاهش اين نابرابري ايفا كرده است» (راغفر،389:1390).

فقر شديد در هر دو منطقه ي روستايي و شهري پس از آن كه در 1368 به بيشترين ميزان خود رسيد، تا سال 1384 نرخي نزولي را تجربه كرد و پس از آن تا سال 1388 رشد ملايم صعودي داشته است»( همان منبع: 392). به علاوه، «در سال 1387، 4 درصد از جمعيت شهري و 14 درصد از جمعيت روستايي زير خط فقر شديد قرار داشته اند - ارقامي هشداردهنده كه بيانگر بسياري از نابساماني‌هاي اجتماعي در شهرها و مهاجرت‌هاي گسترده از روستا به شهر است. ضرورت حذف اين رده از فقر كمرشكن بر همگان آشكار است» (همان منبع).

**خودكشي:** بر اساس آخرين آمار وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشكي، روزانه به طور متوسط 13 مورد اقدام به خودكشي با ميانگين سني 29 سال در كشور اتفاق مي‌افتد. طبق اين آمار، نسبت خودكشي مردان به زنان 2.5 به 1 و گاه 4.5 به 1 است. هرچند آمار خودكشي در ايران از بسياري از كشورها پايين تر است، مقايسۀ اين آمار با آمار ثبت شدۀ سالهاي گذشته در ايران رشد قابل توجهي را نشان مي‌دهد به طوري كه ميزان اقدام به خودكشي از 1.3 در هر صدهزار نفر در سال 1363 به 6 در هر صد هزار نفر در سال 1383 رسيده است. ميزان اقدام به خودكشي طي سال‌هاي 1384، 1385، 1386 به ترتيب 8/5، 65/5، و 6/5 در صدهزارنفر جمعيت بوده است».

**قتل و خشونت اجتماعي**: فراواني نسبي پرونده‌هاي تشكيل شده دربارۀ قتل عمد طي سال‌هاي 1386-1380 تقريباً ثابت بوده است. اما در طي سال‌هاي 1388-1387 با رشد حدود سه برابري قتل عمد و ضرب و جرح مواجه هستيم. اوج خشونت‌هاي اجتماعي در سال 1387 گزارش شده است".

«مروري بر خشونت‌هاي اجتماعي و آمار قتل و ضرب و جرح در دهۀ اخير نشان مي‌دهد كه بين توسعۀ پايدار و امنيت جامعه با خشونت اجتماعي رابطۀ منفي وجود دارد. آمار خشونت در سال 1376، به ازاي هر صد هزار نفر، 544 مورد بوده كه اين آمار در سال 1381 به 816 مورد رسيده است». طبق گزارش افتخاري و ديگران در مورد مطالعه‌اي در شهر تهران در مورد 347 مورد قتل در نيمه‌ي دوم سال 82 و نيمه ي اول سال 1383 در تهران، 79.5 درصد از مقتولان مذكر بوده، و ميانگين سني شان بين 15.8 تا 32.6 سال در نوسان بوده است. در ميان علت‌هاي وقوع قتل نيز، نزاع (2/35 درصد) بيشترين و لواط (7/1 درصد) كمترين ميزان را به خود اختصاص داده بود. علاوه بر آن، بيش از نيمي از قتل‌ها (53.9 درصد) با اسلحه سرد (چاقو) صورت گرفته اند. بيش از نيمي از مقتولان وضعيت اقتصادي خوب، و 19.3 درصد وضعيت اقتصادي بد داشتند، 11.5 درصد بيكار بودند، و بيش از نصف آنها، به سيگار، الكل و مواد مخدر اعتياد داشتند. تقريباً يك چهارم مقتولان بي‌سواد بوده‌اند، 66.8 درصد باسواد، و فقط 3.7 درصد داراي تحصيلات عاليه بودند. و نيز قتل با انگيزۀ خانوادگي در زنان ( 40.8 درصد) بيشتر از مردان بوده است (همان منبع). به گزارش خانم دكتر شهلا معظمي؛ دكتراي حقوق جزا و جرمشناسي و استاد دانشگاه تهران، «با رشد جمعيت، و افزايش بحران‌هاي اجتماعي و اقتصادي، ميزان بزهكاري زنان نيز افزايش يافته است. بزهكاري زنان نسبت به مردان در طي سالهاي 1380 تا 1388 مرتب افزايش داشته است كه عمدتاً مربوط به جرايم مواد مخدر و اعمال منافي عفت بوده است.»

1. **وضعيت سرمايه فرهنگي در ايران**

تعداد تماشاگران فيلم‌هاي سينمايي، مقدار ساعت مطالعه كتاب ، سطح سواد در كشور، ميزان گوش دادن به موسيقي و كيفيت و نوع موسيقي ، مصرف كالاهاي فرهنگي و... تعیین کننده وضعیت فرهنگی در هر جامعه ای می باشد.

تعداد تماشاگران و نسبت آنها به تعداد فیلم‌های اکران شده نشان می‌دهد که با در نظر گرفتن تعداد فيلم­هاي اكران­شده در ده سال اخير كه روندي صعودي داشته، تغييرات در تعداد تماشاگران و فروش كل فيلم­هاي اكران­شده اسف­بار **است و این شاخص سرمایه فرهنگی در مدار مطلوبی قرار ندارد.**برای نمونه تعداد تماشاگران سینما در سال 1390 حدود هفت میلیون نفر در سال بوده است یعنی از هر ده نفر در ایران یک نفر آن هم یک بار به سینما رفته است. مقدار ساعت مطالعه كتاب در ايران نیز بسیار پایین است. «نتايج تحقيقات مختلفي كه در ايران و به ويژه در كلان شهر تهران صورت گرفته است، برآورد‌هاي متفاوت و عمدتاً پاييني از سرانه‌ي مطالعه به دست مي‌دهند. اما شدت تناقضات در اظهارات رسمي مسئولان قابل توجه‌تر است. به عنوان مثال، نهاد كتابخانه‌هاي عمومي بر مبناي تحقيقي كه آذر و دي ماه سال 1387 انجام شد، ادعا مي‌كند كه سرانه مطالعه‌ي كتاب‌هاي غير درسي به نسبت ده سال پيش سه برابر شده و به ۱۸ دقيقه در روز رسيده است. در حالي كه رئيس كتابخانه ملي، علي اكبر اشعري، ارديبهشت سال ۸۷ سرانه كتاب‌خواني ايرانيان را ۶ دقيقه در شبانه‌روز اعلام كرد و گفت حدود دو سوم اين ميزان نيز به مطالعه كتاب‌هاي درسي مربوط مي‌شود. مطابق گزارش ياد شده ۵۰ درصد از باسوادان گفته‌اند كه در يك سال گذشته كتاب‌هاي غيردرسي هم مطالعه كرده‌اند. همزمان با انتشار اين گزارش خبرگزاري مهر ۱۴ اسفند ۸۷ از قول حجت‌الاسلام رسول جعفريان، رئيس كتابخانه مجلس نقل كرد كه «حدود ۹۵ درصد از مردم ايران كتاب‌خوان نيستند».

يكي دیگر از شاخص‌هايي كه با ميزان سرمايه فرهنگي كشور در ارتباط است، ميزان سطح سواد در كشور است كه متاسفانه بنا بر نتايج سرشماري 1390 كشور نزديك به ده ميليون نفر از مردم ايران بي‌سواد مطلق هستند. «علي باقرزاده، رييس سازمان نهضت سوادآموزي كشور، آخرين آمار بي سوادي را 9 ميليون و 716 هزار نفر اعلام كرد. اين آمار براساس آخرين سرشماري سال 1390 و به صورت - خود اظهاري - اعلام شده است يعني در آمارگيري سال 1390، گروه سني بالاي 6 سال، به صورت خود اظهاري خود را بي‌سواد مطلق اعلام كرده‌اند» يكي از شاخص‌هاي توسعه سطح سواد كشورهاست (ميان سرمايه فرهنگي و توسعه، همچون سطح سواد نيز ارتباط وجود دارد).

شاخص دیگر سرمایه فرهنگی وضعيت موسيقي و آمار مرتبط با آن است. به طور معمول ميان نوع موسيقي مصرفي و سرمايه فرهنگي، و همچنين ميان ميزان گوش دادن به موسيقي و سرمايه فرهنگي رابطه وجود دارد. موسيقي پاپ ايراني و غربي، موسيقي سنتي ايراني، موسيقي كلاسيك غرب، انواع موسيقي متال و راك، رَپ و ... انواع پُر مخاطب موسيقي را در ايران تشكيل مي‌دهند. مخاطب با توجه به سرمايه فرهنگي خود ممكن است هر يك از اين انواع را انتخاب كند. پنجمين شاخص هم مربوط به مصرف كالاهاي فرهنگي است. به نظر مي‌آيد كه انواع تابلو نقاشي، عكاسي و خطاطي، انواع تنديس و مجسمه، انواع صنايع دستي مانند فرش و ...، انواع فيلم و سريال، انواع موزيك، انواع بازي‌هاي رايانه‌اي، كتاب و ... از بيشترين كالاهاي فرهنگي مصرفي در كشور هستند كه همگي متاثر از وضعيت سرمايه فرهنگي كشور مي‌باشند. در موارد چهارم و پنجم با كمبود آمار مواجه هستيم. در انتهاي اين بخش به آمار محدودي از وضعيت موسيقي از سال 1384 تا 1387 در زمينه تعداد مجوز اجرا و همچنين آثار صوتي توليد شده در قالب نمودار ذيل اشاره مي‌كنيم.

1. **بررسی مهاجرت نخبگان در ایران**

مطالعات صورت گرفته توسط صندوق بین‌المللی پول نشان می‌دهد که در بین کشورهای جهان ، آسیا بیشترین نرخ مهاجرت افراد دارای تحصیلات عالی و در بین کشورهای آسیایی ایران بیشترین درصد مهاجرت افراد با تحصیلات عالیه را دارد. در سال‌های اخیر، مهاجرت سه دسته از متخصصان ایرانی شامل دانشجویان بورسیه، اعضای هیئت علمی، و برگزیدگان المپیادها و کنکورها مورد توجه مسئولین و مطبوعات قرار گرفته است. مقصد اصلی این مهاجرت‌ها بیشتر کشورهای پیشرفته است. به طوری که 95 درصد از نخبگان مهاجر، کشورهای امریکا، کانادا، انگلیس، استرالیا، فرانسه و آلمان را انتخاب می‌کنند. بسیاری از دارندگان مدال المپیادهای کشور و صاحبان رتبه‌های یک و دو رقمی کنکور سراسری جذب کشورهای توسعه‌یافته شده‌اند. آمارها نشان می‌دهد که پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، از مجموع 176 مدال‌آور المپیادهای علمی جهان تعداد 163 نفر آنان اکنون در کشور حضور ندارند. طبق آمار صندوق بین‌المللی پول هم اکنون بیش از 250 هزار مهندس و پزشک ایرانی و بیش از 170 هزار ایرانی با تحصیلات عالیه در آمریکا زندگی می‌کنند و طبق آمار رسمی اداره گذرنامه، در سال 87 روزانه 15کارشناس ارشد، 3.2 دکترا و سالانه 5475 نفر لیسانس از کشور مهاجرت کردند. همچنین بیش از 80 درصد از برگزیدگان المپیادهای علمی سال‌های اخیر و اکثر رتبه‌های دو رقمی جذب دانشگاه‌های خارجی و به ویژه آمریکا شدند که اکثراً قصد بازگشت به ایران را ندارند.

1. وضعیت **رسانه** ها در ایران

"سرانه انتشار روزنامه در سال 1381 براي هر هزار نفر، 36 نسخه بوده كه شامل روزنامه‌هاي سراسري و محلي است. اين در حالي است كه سالنامه آماري يونسكو در سال 1999 مطابق استاندارد جهان اين تعداد را 100 نسخه اعلام كرده است. لازم به ذكر است كه تعداد و تيراژ روزنامه‌ها نيز غير از يك دوره رشد كه در سال‌هاي 76 و 77 بوده، در بقيه سال‌ها روند نزولي داشته است. توجه را به يك آمار جلب مي‌كنيم. تيراژ روزنامه‌هاي كشور در ابتداي سال 79، 3120000 نسخه بوده كه اين رقم در سال 80 به 1750000 نسخه رسيد. "درگزارش ديگري آمده است كه سرانه روزنامه در ايران براي سال 1381 براي هر هزار نفر، 36 نسخه پيش بيني شده بود كه با تعطيلي نزديك به هشتاد نشريه اين رقم حتي به 30 نسخه هم نرسيده است. (گزارش شماره 4748-1381) آنچنان كه ملاحظه مي‌شود حتي آمار واطلاعات اين دو گزارش، با هم ناسازگار است. گزارش دوم كه مربوط به يك نهاد مطالعاتي رسانه‌اي است، سرانه مطبوعات را كمتر از سي نسخه ارزيابي كرده است.

مجموع مسائل فوق بعلاوه مسائل و چالش های سیاسی موجود سبب شده است كه عمر روزنامه‌ها در ايران كوتاه باشد و به همان سرعتي كه مجوز صادر مي‌شود، لغو مجوز هم مي‌شود. گاه عمر روزنامه هابه يك هفته و يك ماه هم نميرسد. گاه با نخستين شماره تعطيل مي‌شوند. از اين رو براي آن كه مطبوعات ايران در يك فضاي آرام و بدون اضطراب و سوء ظن بتوانند فعاليت نمايند و به محملي براي گفتگو ميان مردم و دولت تبديل شوند و از تنش‌ها بكاهند، سياستگذاري كلان در حوزه مطبوعات با محور اصلاح قانون مطبوعات، همراه با تغيير نگرش سياستگذاران فرهنگي،بسيار ضروري به نظر مي‌رسد.

1. **وضعيت مسائل جمعيتي** در **ايران**

جمعيت ايران در نيم قرن اخير در بستر گذار جمعيتي تحوّلات بي سابقه‌اي را تجربه كرده است؛ تعداد جمعيت كه در سال 1335 برابر با 19 ميليون نفر بوده است به چهار برابر افزايش يافته و در سال 1390 از مرز 75 ميليون نفر گذشت. در بستر اين گذار جمعيتي، ايران كنوني در معرض گذار و تغييرات ساختارهاي سني جمعيت قرار گرفته و آن‌ها تبديل به مهم‌ترين مسئله‌ي جمعيت و توسعه‌اي كشور شده‌اند. در واقع تحوّلاتِ جمعيتي دهه‌هاي اخير در ايران سبب شده است تا نگرش‌هاي مختلف به جمعيت ايران و افزايش و كاهش ميزان رشد سالانه‌ي آن بُعد تازه‌اي بيابد و به دليل اهميتي كه به ويژه براي آينده‌ي كشور دارد مورد توجّه محافل علمي، دانشگاهي، دستگاه‌هاي سياست‌گذاري، و مديران امور اجرايي و برنامه‌ريزي قرار بگيرد. اين نگاه برنامه‌ريزي‌هاي توسعه‌ي ملّي و منطقه‌اي را به‌سوي تدوين سياست‌هاي جمعيتي سوق مي‌دهد. مهاجرت، بازتوزيع جمعيت، شهرنشيني و حاشيه‌نشيني، سالخوردگي جمعيت، اشتغال و توانمندسازي زنان، مهاجرت‌هاي داخلي و بين‌المللي و غیره همه مستلزم اين است كه به جمعيت به عنوان مقوله‌اي چند بُعدي نگاه شود.

**11- رویکرد دولت و تاثیرات آن در افزایش معضلات خانواده در ایران**

مروری بر مجموعه مطالعات وسیعی که در حوزه آسیب‌شناسی معضلات خانواده در ایران انجام شده نشان می‌دهد این حیطه به لحاظ دامنه نظری از غنای خوبی برخوردار است. به این معنا که معضلات و آسیب‌های گوناگون اجتماعی از منظرهای مختلفی مورد بررسی قرار گرفته و هشدارها و راه‌کارهای آن در حد بضاعت ارائه گردیده است. اما واقعیت جامعه حکایت از چیز دیگری دارد بدین معنا که اگر خانواده به‌عنوان اصلی‌ترین رکن جامعه در معرض خطر است و صحت این مدعا از طریق پژوهش‌های گوناگون تایید شده است و پس چگونه هم‌چنان مسیر بر افزایش این معضلات و حتی پیدایش عوارض جدیدی است که در نتیجه عدم پرداختن به عضلات پیشین حاصل شده، چگونه است که مطالعات از سال 1368 بر افزایش روسپی‌گری در ایران حکایت دارد اما هم‌چنان شاهد نرخ صعودی این پدیده و کاهش سن شروع روسپی‌گری در دختران هستیم. چگونه است که چندی است متخصصان دانشگاهی از عدم رضایت زندگی زوجین در اثر نابه‌سامانی‌های جنسی و عدم رضایت جنسی هشدار می‌دهند اما هم‌چنان خانواده‌ها با این مسئله درگیرند و خود سبب افزایش آمار طلاق در کشور شده‌اند؟ سیاست‌های مدون و رویکرد دولت چگونه بوده که علرغم تمام این هشدارها همچنان معضلات رو به افزایش دارند؟ بدیهی است سوالاتی از این دست به وفور یافت می‌شوند که می‌توان ساعت‌ها در این زمینه بحث کرد. اما هدف رسیدن به پاسخی است که بتواند زمینه‌ساز ارائه راهبردهای صحیح در کاهش این معضل حیاتی اجتماع باشد که خانواده سالم خمیرمایه زیست یک جامعه است که هیچ توسعه‌ای نه بدون آن رخ می‌دهد و نه حتی بدون آن ارزش و معنایی دارد که توسعه باید در خدمت خانواده و سلامت آن باشد. این در حالی است که حاصل عملیاتی کردن چهار برنامه توسعه در کشور تضعیف خانواده بوده که طی مطالعات مختلف به اثبات رسیده است (زعفرانچی، 1385). در حالی‌که قانون اساسی و سایر اسناد قانونی پایه کشور اصل را بر حفظ بنیان خانواده قرار می‌دهند پس بسیار دردآور است که بپذیریم برنامه‌سازان توسعه در جامعه از اثرگذاری این برنامه‌ها بر خانواده بی‌اطلاع بوده و به آن نپرداخته‌اند.

1. **وضعیت توسعه انسانی**

**در گزارش سال 2011**UNDP شاخص توسعه انسانی،‌ ایران رتبه 88 را در میان 187 کشور دنیا به دست آورده است.‌ این در حالی است که ‌ایران به ترتیب بعد از کشورهای سنت وینسنت و گرنادین‌ها، ارمنستان و کلمبیا قرار دارد و بعد از ‌ایران نیز کشورهای عمان، تونگا، آذربایجان و ترکیه قرار دارند. کشور‌ایران در دسته کشورهای با توسعه انسانی بالا قرار دارد که از جمله کشورهای ‌این دسته می‌توان به کشورهایی همچون عربستان سعودی (رتبه 56)، مکزیک (رتبه 57)، مالزی رتبه (61)، کویت (رتبه 63)، لبنان (رتبه 71) و برزیل (رتبه 84) اشاره كرد.

در‌این گزارش به‌این نکته نیز اشاره شده است که کشور‌ایران، یارانه‌هاي بر مبنای نفت به سوخت، مواد غذایی و سایر کالاهای اساسی را حذف و‌ این یارانه‌ها را با پرداخت‌های 40 دلاری در ماه به عنوان کمک هزینه نقدی به حدود 90 درصد افراد جامعه، تعویض نموده است.‌این سیاست موجب شده است که 5/4 درصد در مصرف گاز و 28 درصد در مصرف سوخت‌های دیزلی صرفه‌جویی شود. همچنین اشاره شده است که سوبسیدهای مضر محیطی در سال 2010 کاسته شده است. نمونه آن نیز کشور‌ایران است که حدود 20 درصد از تولید ناخالص داخلی خود را روی سوخت‌های فسیلی به عنوان یارانه پرداخت می‌کرد و‌این در حالی است که یارانه بر آموزش در‌ایران کمتر از 5 درصد تولید ناخالص داخلی را شامل می‌شود. از جمله شاخص‌های دیگری که در‌این گزارش به آن اشاره شده است، شاخص امید به زندگی در بدو تولد است که برای سال 2011 مقدار 73 سال را نشان می‌دهد. ‌این مقدار بالاترین سال برای کشور‌ایران در مدت ارائه‌ این گزارش‌ها از سال 1990 را نشان می‌دهد.

آنچه به صورت خلاصه می‌توان گفت آنچه باعث بالاتر رفتن مقدار شاخص توسعه انسانی در سال 2010 شد و رتبه ‌ایران را به 70 رساند، بالا رفتن قیمت نفت در سال‌های اخیر و در نتیجه بیشتر شدن درآمد سرانه ‌ایرانیان و نیز نرخ بالای باسوادی در ‌ایران است. با کاهش قیمت نفت و همچنین کاهش درآمد سرانه ‌ایرانیان در سال 2011، مجددا وضعیت ‌ایران در رتبه‌بندی‌ این شاخص بدتر شد و به 88 نزول پیدا کرد. همچنین می‌توان گفت که معیارهای فقر و نابرابری درآمدی و جنسیتی در‌ایران کماکان وضعیت خوبی در مقایسه با شرایط‌ ایده‌آل ندارند و نیز باید به کیفیت آموزش و بهداشت در کشور توجه بیشتری شود.

1. وضعيت مشاركت **اجتماعي** در ايران

بر اساس نتايج تحقيقات و مشاهدات، شركت گسترده و فداكارانه و ديگر خواهانه مردم ايران در جريان جنگ و انقلاب از يكسو و همياري‌هاي مردم در عروسي و عزا، مواقع سختي و مصيبت و بر اساس خويشاوندي و هم ولايتي و هم محله‌اي گوياي رونق مشاركت‌هاي اجتماعي در جامعه ايران بر اساس مذهب، تبار و خويشاوندي و روابط قومي است. برعكس، همين مردم در تشكيل انجمن‌ها و گروه‌هاي داوطلبانه در حيطه‌هاي ساختمند با برنامه و رويه مشخص ليكن بدون جنبه مذهبي، خويشاوندي و قومي بسيار ضعيف عمل مي‌نمايند و داراي شخصيتي نامشاركت‌جو هستند. بنابراين شناخت ميزان مشاركت اجتماعي و تحولات آن در ميان گروه‌هاي عمده اجتماعي داراي ضرورت و اهميت قابل توجهي است كه در اين گزارش به آن پرداخته شده است..

1. **وضعیت** سرمایه **اجتماعی**

سرمایه اجتماعی در ایران با توجه به قدمت و فرهنگ دیرینه‌مان جایگاه بسیار مهم و مستحکمی در حفظ مدنیت  داشته که متاسفانه این گرانبهاترین سرمایه ملی بنا به دلایل گوناگون در حال کمرنگ شدن است. در پژوهشی که برای شناخت وضعيت سرمايه اجتماعي در ايران، با روش فراتحليل صورت گرفته نتايج تحقيق نشان مي دهد در حوزه هاي گوناگون، وضعيت سرمايه اجتماعي يکسان نيست، در ميان مولفه هاي سرمايه اجتماعي ميزان اعتماد به خانواده و نظام سياسي و نيز ميزان ارتباطات اجتماعي بالاست. در حوزه سياسي ميزان اعتماد به نظام سياسي بالا، ميزان اعتماد به نهادهاي سياسي متوسط و ميزان اعتماد به کنشگران سياسي پايين بوده است. همچنين ميزان مشارکت مردم در حوزه هاي گوناگون اجتماعي بسيار پايين است. مجموع يافته ها نشان مي دهد از نظر مردم ميزان ارزش هايي مثل صداقت، امانتداري و گذشت در بين مردم پايين است و ميزان رواج ضد ارزش هايي چون کلاهبرداري و چاپلوسي بالا است.

اقتصاد ایران از مشکلات عدیده‌ای چون کاهش نقدینگی در صنعت، فساد رو به افزایش و عدم اعتماد که نتیجه خود را در چک‌های برگشتی و جرائم بالا نشان می‌دهد رنج می‌برد. بر اساس اعلام پلیس آگاهی تهران، تنها در یک سال گذشته ۲۱۸ پرونده اختلاس بانکی در کشور تشکیل و به محاکم قضایی ارسال شده است. اختلاس‌های مالی در میان دستگاه‌های دولتی هم چشمگیر بوده، به‌گونه‌ای که هم اکنون برخی از مدیران دولتی دارای پرونده اختلاس در دستگاه قضایی هستند. پرونده اختلاس سه هزار میلیارد تومانی و بیمه ایران بارز‌ترین پرونده‌های فساد مالی در میان مدیران دولتی به شمار می‌آیند. همچنین دولت در ماه‌های گذشته بر میزان دخالت خود در عرصه اقتصاد افزوده است. صدور بخشنامه‌های متعدد و دستور‌العمل‌های بانکی و مالی و امنیتی کردن بازار از جمله اقدامات دولت بوده که با واکنش منفی بازار و شهروندان روبرو شده است. که همه این‌ها حکایت از ضعف سرمایه اجتماعی در بعد اقتصادی نیز حکایت دارد.

بیشتر شاخص‌ها نشان از آن دارد که اوضاع سرمایه اجتماعی در ایران شرایط خوبی را دنبال نمی‌کند. تازه‌ترین [گزارش](http://www.kaleme.com/1391/08/13/klm-118589/) موسسه لگاتیوم نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی در ایران بیش از گذشته افول کرده و در وضعیت قرمز قرار دارد. موسسه لگاتیوم اعلام کرده است که ایران به لحاظ سرمایه اجتماعی در میان کشورهای خاورمیانه در پائین‌ترین رتبه‌ها قرار دارد. افغانستان و سوریه دو کشور دیگر خاورمیانه هستند که هم رتبه با ایران در جایگاه ۱۲۱ جهان ایستاده‌اند. بر اساس اعلام این موسسه، ۴۰ درصد شهروندان ایران نمی‌توانند به دیگران اعتماد کنند و این نشان دهنده ضریب اعتماد اجتماعی پائین در ایران است. این در حالی است که یافته‌های یک پژوهش در سال ۸۳ نشان می‌دهد که تنها ۱۸ درصد شهروندان گفته‌اند که به دیگران اعتماد دارند. ۴۰ درصد اعلام کرده‌اند که به دیگران اعتماد نمی‌کنند و ۴۲ درصد دیگر با نمی‌دانم پاسخ داده‌اند.

به طور کلی

از مجموع موارد بیان شده می توان این نتیجه را حاصل نمود که زیرساختهای اجتماعی ایران در وضعیت مطلوبی قرار نداشته و اغلب شاخص ها حکایت از اوضاع نابسامان اجتماعی این کشور دارد. انتظار رفع چالش های اجتماعی در کشور در یک فرجه زمانی کوتاه یقینا غیرممکن به نظر رسیده و با توجه به این موارد باید اظافه نمود که دولت تدبیر و امید راهی طولانی در حل معضلات و چالشهای اجتماعی ایران دارد و اگر در این خصوص به یک توفیق حتی بیست درصدی نائل شود، کارنامه درخشانی را از خود ارائه داده است.

1. كشور نخست جهان (بر اساس رتبه بندي لگاتيوم، شاخص توسعه انساني و شاخص توسعه اجتماعي موسسه مطالعات اجتماعي) [↑](#footnote-ref-1)
2. كشور اول منطقه خاورميانه (بر اساس رتبه‌بندي لگاتيوم) [↑](#footnote-ref-2)
3. اين كشورها به ترتيب رتبه‌بندي عبارتند از: امارات متحده عربي، كويت، اسرائيل، عربستان سعودي، مراكش، اردن، تونس، لبنان، تركيه، الجزاير، ايران، مصر، سوريه، عراق، يمن، افغانستان [↑](#footnote-ref-3)